نگاهی به فرهنگ عزاداری

محمد نوری


بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به فرهنگ سوگواری

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به فرهنگ سوگواری

مشخصات کتاب

نگاهی به فرهنگ سوگواری

محمد نوری

چکیده

این مقاله به عزاداری به مثابه یک فرهنگ نگاه می کند که ابعاد مختلفی دارد. البته چون در درون فرهنگ عام تر شیعه قرار دارد، خرده فرهنگ محسوب می شود و از نظر دامنه علمی و پوشش عرصه اجتماعی گسترش زیادی دارد؛ تقریباً همه جنبه های زندگی شیعیان را تحت تأثیر قرار داده است.سه بُعد فرهنگی سوگواری مهمّ شناخته شده و به توضیح و تبیین آنها پرداخته است. این ابعاد عبارت اند از: بعد علمی، بُعد هنری و بُعد اجتماعی. در بُعد علمی، آثار اعم از کتاب، مقاله و پایان نامه که در طول تاریخ درباره مصائب اهل بیت علیهم السلام بویژه حادثه طف نوشته شده، بررسی شده است؛ در بُعد هنری، احساسات شیعیان و تبلور آن در مراسم عزاداری و زیبایی های تعزیه گزارش شده؛ اما در بُعد اجتماعی اوّلاً تأثیر قیام امام حسین علیه السلام بر جامعه شیعه و ثانیاً رسم و رسوم شکل گرفته در سیر تاریخی نشان داده شده است. این ابعاد، زیرساخت های اندیشه ای حاکم بر تحلیل های عاشورایی را شکل داده و به پژوهشگران در ارزیابی و نقّادی ها یاری می رساند.کلیدواژه ها: فرهنگ سوگواری، جامعه شناسی عزاداری، هیئتِ عزاداری، تأثیر عزاداری، نقش تاریخی عزاداری، آداب و رسوم سوگواری، مراسم سوگواری، مآخذ علمی سوگواری.عزاداری، یکی از جنبه های فرهنگ اسلامی - شیعی را تشکیل می دهد و از مؤلفه های مهمّ این فرهنگ است. در زندگی شیعیان به لحاظ صرف وقت و مصرف منابع اقتصادی و انرژی انسانی، حجم فراوانی به سوگواری اختصاص یافته است. تعطیلات سالانه، برگزاری مراسم اطعام، اهدای نذورات و هدایا و شرکت در مراسم، جای ویژه ای در سبد خانوار مسلمان شیعه مذهب دارد.فرهنگ سوگواری مرادف و

همسـان با فرهنگ حسـینی یا فرهنگ عاشورا نیست و قلمرو آن وسـیع تر و شامل مصائب همه چهارده معصوم علیهم السـلام و خاندان رنجکش عصمت و طهارت می شود. زیرا معصومان علیهم السلام شهید شدند و فرزندان و نوادگان آنها هم. [۱] .مهم آن است که عزاداری تبـدیل به یـک فرهنـگ شـده که در درون فرهنـگ شـیعی جـای گرفته است. از این نظر، خرده فرهنگ محسوب می شود و تمامی جوانب و پیامدها و آثار دیگر خرده فرهنگ ها را دارد. و شامل لایه های مکتوب، شفاهی، هنری و جدیـداً الکترونیک است. فراینـد فرهنگی شـدن سوگواری در بین ایرانیان به سـرعت طی شـد؛ زیرا ایرانیان با مقوله سوژه ها و تراژدی هایی مثل مرگ سیاوس [۲] آشنا بودند. وقتی به واژه «عزا» در کتاب های لغت شناسی و واژه پژوهی فارسی مثل لغت نـامه دهخـدا مراجعه کنیم، خواهیم یـافت که واژگـان متّخـذ از «عزا» پر دامنه است. پر دامنگی این واژگـان حکایت از انس و قدمت عزاداری در فرهنگ ایرانی است. برای نمونه در لغت نامه دهخدا، واژگان مرتبط به عزا را در ده مدخل بررسی و تحلیل کرده است. [۳] .زنـدگی روزانه شـیعیان کاملاً با سوگواری، ممزوج شده است و دانشـمندان برای تحلیل این وضـعیت از سده های اوّل اسـلامی به بعـد، کتاب ها و رساله های فراوانی در این زمینه نوشـته اند. از این رو، کارنامه دانشـمندان و نویسـندگان مسلمان در حوزه سوگواری حجیم است. علّت توجّه بسیار شیعیان به سوگواری این است که سوگواری در صدد تعمیم امامت شیعی و اصل تولّی و تبرّی بوده است. به عبارت دیگر، سوگواری همواره روشـی برای جذب دل ها به سوی آموزه های شیعه، بویژه با ایجاد فضای مظلومیت، شیوه ای برای

توسعه توجیه و آموزش شیعیان و ارتقای قدرت عقلانی و ازدیاد احساس معنوی آنها بوده است. ثانیاً در حوزه فرهنگ شفاهی هم، نقش فرهنگی عزاداری قابل توجّه است؛ زیرا برگزاری هزاران مجلس سوگواری همراه با وعظ و خطابه، به عنوان یک نظام و یک دستگاه فراگیر آموزشی عمل کرده است.غیر از کارکردهای فردی و فرهنگی عزاداری، بُعد جامعه شناختی آن نیز مهم است. عزاداری به عنوان یک عامل جامعه ساز در بین شیعیان ایفای نقش کرده است؛ یعنی جامعه شیعی را با ساختار خاصّ خودش – که مثلاً مرجعیت در رأس آن قرار گرفته و دارای روابط اجتماعی خاص است – شکل و سامان داده است. اگر مجالس سوگواری نبود، معلوم نبود شیعیان بتوانند به سان یک جامعه پر قدرت و پر نفوذ در کوران حوادث بنیان افکن و در نظام های جور و ستم دوام بیاورند و حیات خود را ادامه بدهند.در عرصه جامعه شناسی سیاسی هم، سوگواری کارکرد داشته است؛ زیرا شیعیان را به سیاست و مسائل جاری آگاه نموده و مهم تر این که به آنان الگوی رفتاری خاص تلقین کرده است. مثلاً این تلقی فراگیر است که در گذشته، امام علی علیه السلام یا امام حسین علیه السلام با نظام جبّار، فلان گونه رفتار می کردند و در این دوره هم، باید همان طور عمل کرد. بالاخره روابط و مناسبات شیعیان با نظام سیاسی، در هر دوره تا حدّ فراوانی، تابع القائات سوگواری بوده است.وقتی از منظر انسان شناختی، به عزاداری نظر می افکنیم، می بینیم کمتر دین و آیینی مثل اسلام و پس از آن امامیه به انسان احترام می گذارد. متون دینی اسلام، مثل قرآن آدمی را

تـا خلیفه خداونـد ارتقـا داده است. پس از مرگ آدمی نیز، او را محـترم داشـته و جهت احـترام به او، عزاداری و سوگواری را برای او توصـیه کرده است. بویژه اگر انسان متوفّی، شخصـیتی استثنایی و فرهیخته باشد، احترام مضاعفی را مطالبه می کند. در بین فرقه های اسـلامی، وهّابیان، پس از فوت افراد، هر چنـد دارای منزلت عالی باشـد، مراسم بسـیار ساده ای برگزار می کنند؛ ولی بر عکس، امـامیه بـا بزرگـداشت او به روش هـای گونـاگون، مثـل مراسم وفـات، هفته، چهلم و سال، سـنگ قبر، شـخص درگذشـته را محترم می شـمارند.بنابراین عزاداری به مثابه یک فرهنگ دارای سه بُعـد اساسـی است. همه فرهنگ ها کما بیش این ابعاد را دارنـد. فرهنگی که دارای ابعاد متوازن، با ترکیب منطقی باشـد، کارآمدتر است. این ابعاد عبارت اند از: پژوهش و علمیت، هنر و زیباشناسـی و جامعه شناختی. این مقاله در صدد بیان و توضیح سطحی و اجمالی این ابعاد است. اگر بخواهیم به عمق این ابعاد برویم، باید ده ها عنوان کتاب تألیف کنیم.

فرهنگ سوگواری

فرهنگ سوگواری، در آینه آثار علمی فراوانی که عرضه شـده، به خوبی هویـدا است. این آثار مصائب و رنـج و غم اهل بیت علیهم السـلام و بویژه حزن آنان در حادثه طف و قیام حسـینی را به خوبی بیان کرده اند. به دلیل این که عزاداری که در قرون اوّلیه اسـلام، با مراسم ساده ای عملی می شد؛ ولی امروزه بسـیار پیچیده شده و ابعاد گسترده و متنوّعی در فرهنگ دینی و ملّی ما پیدا کرده است. از این رو، مقالات و رساله های فراوانی درباره خود سوگواری نوشـته و منتشر شده است. بنابراین در هر دو زمینه یکی مصائب اهل بیت علیهم السلام و دوم موضوعات عزاداری،

هر ساله آمار انواع آثار، مثل بررسی های تحلیلی، مقالات انتقادی و احیای متون رو به رشد بوده است. البته زمینه اول پیش درآمد و مقدمه موضوع دوم است.البته تاکنون روی خود منابع عزاداری، پژوهش علمی نشده است و جای انواع تحقیقات در این زمینه خالی است. ضرورت دارد که آمار این منابع با شاخص های مختلف گزارش شود و تحلیل این آمارها همراه با جمع بندی علمی، عرضه شود. از سوی دیگر، بررسی محتوایی و تاریخی آنها و نیز بررسی از منظر جامعه شناختی این منابع، مورد نیاز است. به هر حال، لازم است با گزارش منابع مکتوب عزاداری و طبقه بندی آنها، کارنامه مکتوب عزاداری تدوین شود.یک تحقیق ضروری این است که آمار منابع مکتوبِ درباره عزاداری بر اساس شاخص هایی در قالب نمودارهای متداول در اختیار پژوهشگران، قرار داده شود تا با انتشار آنها، راه برای تحقیقات تحلیلی و حتّی بنیادی باز شود.این شاخص ها عبارت اند از: مکان و شهر چاپ یا تألیف؛ زمان تألیف یا چاپ؛ جغرافیا و ملّیت نویسنده یا مصحّح؛ دست نوشته و چاپی بودن اثر؛ زبان؛ ترجمه؛ تصحیح و احیا؛ اقتباس و گزیده.به هر حال، پیش درآمد اصلاح فرهنگ سوگواری، همین آمارها است؛ زیرا نشان می دهد در چه عرصه هایی کاستی ها و خلأ، و در چه زمینه هایی کثرت و انبوهی هست و چشمان پژوهشگران را نسبت به ابعاد سوگواری، باز می نماید.کارنامه علمی سوگواری دو لایه مکتوب و الکترونیک دارد. لایه مکتوب به دلیل قدمت و گستردگی بیشتر مورد توجّه است. امّا آثار الکترونیک هم مهمّ و به عنوان یک سوژه قابل بررسی اند. این که کدام لایه و چه موضوعی مقبولیت و روایی بیشتر دارد،

قابل بررسی است و رعایت آن به کارآمد شدن این فرهنگ منجر می شود.۱. نویسندگان منابع علمی و مکتوب سوگواری، معمولاً به سوژه های زیر پرداخته و کتاب، مقاله یا پایان نامه هایی نوشته اند:- روش عزاداری مثل نوحه خوانی و سینه زنی؛- زمان ها و موسم های عزاداری مثل دهه محرّم و شام غریبان؛- انواع سوگواری یا روضه خوانی یا تشکیل مجالس روضه و تعزیه خوانی؛- علائم و نمادهای عزاداری مثل بیرق و روشنایی و لباس؛- مکان های اجرای عزاداری مثل حسینیه؛- عزاداران مثل جمعیت ها و دسته ها؛- مراسمی مثل جوش ریختن، نخل گردانی، دسته های عزاداری، سینه زنی؛- متعلّق عزاداری (شخصی که برای آن عزاداری می شود) مثل امام حسین و امام علی علیهما السلام.تمامی کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی که در حوزه عزاداری نوشته شد، ذیل یکی از محورهای فوق قرار می گیرد.آثار علمی سوگواری، به عنوان بخش مکتوب فرهنگ سوگواری، نیازمند دسته بندی و طبقه بندی است؛ زیرا بدون طبقه بندی، دستیابی به آنها مشکل است. این طبقه بندی می تواند به محتوای آنها هم تعمیم داده شود؛ یعنی با نمایه سازی متن این آثار، راهنمایی برای مطالب آنها فراهم ساخت.۲. محتوای منابع مکتوب یکسان نیست و از نگاه متن شناسی می توان گفت آنها به دسته های زیر قابل تقسیم اند:- سوگ نامه یا آثاری که به خودِ عزاداری می پردازند که آنها را آثار ویژه سوگواری یا آثار مستقل می نامند.- مقتل ها یا مصیبت نامه ها، کتاب هایی که از قدیم تاکنون درباره چگونگی شهادت یا فوت یکی از بزرگان دین، تألیف شده که اصطلاحاً به آن مقتل گفته اند. این آثار معمولاً حوادث منجر به قتل را توضیح می دهند. به دلیل این که این آثار، محور عزاداری است و در مراسم عزاداری، این متون از

حفظ یا از روی متن، قرائت می شده است. اگر برای فرهنگ عزاداری، سه لایه مکتوب، شفاهی و نمایشی در نظر بگیریم. مقتل ها بخش مکتوب را تشکیل می دهند.- متون ادبی مانند مرثیه ها و قصیده ها و نوحه ها. مقتل ها با روش نثر به حوادث منجر به قتل و شهادت تدوین شده اند؛ ولی کسانی با استفاده از صنعت شعر به بیان مصائب بزرگان دین پرداخته اند. این گونه آثار به نام مراثی یا نوحه ها، بخش عظیمی از فرهنگ ادبی شیعه را تشکیل می دهند.- تعزیه و آثار نمایشی که بر اساس تجربه هنری تألیف شده اند.- مجموعه سخنرانی ها که اصطلاحاً «امالی» و «مجالس» نامیده می شود و می توان آنها را مجلس نامه های عزاداری هم نامید.- بررسی های تحلیلی، تاریخی و جامعه شناختی.- نقّادی متون و مراسم عزاداری بویژه روضه ها؛ در دوران متأخرّ، کتاب لؤلؤ و مرجان جایگاه ویژه ای در نقّادی سوگواری دارد.- دیدگاه های جدید، از جمله نظرات خاورشناسان.هر کدام از محورهای فوق، زیر شاخه های فراوانی را در بر دارد؛ بنابر این فرهنگ سوگواری، ده ها نمایه دارد که هر کدام شامل سوژه هایی برای پژوهش است.۳. از یک نظر، آثار علمی عزاداری که لایه مکتوب فرهنگ سوگواری را تشکیل می دهد، خود دو جنبه مهم دارد؛ یک دسته آنها احساسی و برای افزایش احساسات تألیف شده است. دسته دوم کتاب های تحلیلی و عقلانی است و برای پرورش عاقله و قدرت تفکّر تدوین شده اند.اگر بُعد عاطفی و احساسی در یک فرهنگ، جایگزین ساحت عقلانی و اندیشه ای گردد، مشکلات فراوانی در پی خواهد داشت. زیر عنان جامعه به دست قوه دیگری غیر از عاقله سپرده می شود. درست برعکس باید جنبه فکری و عقلانی آثار حسینی زیر بنا و زیر ساخت

دیگر آثار باشد.بُعد عاطفی این حادثه که به سرعت جای خود را در جامعه شیعه باز کرد، گاه چیره و مسلط بر کل جامعه می شود. امّا باید توجّه داشت که حادثه عاشورا چند وجهی و همچون منشور، ابعاد مختلف دارد. درست مانند قرآن مجید که بطون مختلف دارد و نباید با تکیه بر بُعد عاطفی آن، در صدد حذف یا کم رنگ کردن دیگر ابعاد از جمله بُعد اجتماعی – سیاسی آن بود. عاطفی پردازان اعم از نویسندگان یا هنرمندان یا مداحانی که به جنبه احساسی حادثه طف می پردازند، فقط حضرت و خانواده آن حضرت را در نظر می گیرند. از طرفی اختصاصی کردن حرکت امام حسین علیه السلام به خود آن حضرت و عدم تعمیم آن نیز، بار سیاسی حادثه کربلا را کم کرده و بر برداشت معنوی آن می افزاید.مردم عزادار بیشتر با بُعد عاطفی و احساسی عاشورا و کربلا ـ سر و کار دارند. منابع عزاداری هم قاعدتاً بیشتر عاطفی اند؛ ولی برخی منابع تحلیلی و استدلالی هم تألیف شده است.درباره امام حسین علیه السلام از دو منظر و با دو هدف نوشته اند؛ نوشته های احساسی که به منظور تأمین عزاداری مردم و زنده نگاه داشتن شور حسینی در دل ها، انجام یافته و دوم نوشته های تحلیلی که برای آگاهی بخشی و کشف حقایق تألیف شده است. مثلاً شهید جاوید یک اثر تحلیلی است. گاه برخی کتاب ها دو بُعدی است؛ مثل: حماسه حسینی از مرتضی مطهری که هم برای بسط آگاهی و هم برای روضه خوانی تألیف شده است. در طول تاریخ، برداشت ها و قرائت های مختلفی از قیام امام حسین علیه السلام عرضه شده است و هر کس تلاش کرده تا قرائتی

بر تأیید دیدگاه خود عرضه کند. این وضعیت نسبت به مصائب دیگر ائمه علیهم السلام نیز هست؛ ولی کمترین نکته مهمّ این است که هنوز سیر تحوّل این برداشت ها و پراکندگی آن، نسبت به متغیّرهای مختلف تحلیل نشده است.۴. حجم منابع علمی درباره عزاداری، آن قدر فراوان شده که پژوهشگران، تألیف کتاب شناسی را ضروری دیده اند. تاکنون چند عنوان کتاب شناسی مستقل و متضمّن درباره عاشورا و امام حسین علیه السلام تألیف و عرضه شده است و در لا به لای این کتاب شناسی ها، گاه آثار عزاداری هم معرّفی شده است. کتاب شناسی ها و مقاله شناسی های مشهور عبارت اند از:- کتاب شناسی اختصاصی امام حسین علیه السلام، از حشمت اللّه صفر علی پور؛ مقاله شناسی امام حسین علیه السلام، از خانه پژوهش قم؛ کتاب شناسی عاشورا، از محمّد حیدری قاسمی، کتاب شناسی امام حسین علیه السلام، از نجفقلی حبیبی؛ کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، اثر محمّد اسفندیاری.نیز در کتاب شناسی های دیگر درباره معصومان علیهم السلام مثل کتاب شناسی اهل بیت علیهم السلام تألیف محمّد انصاری، برخی آثار ذکر مصائب آنها هم آمده است.عرضه کتاب شناسی در هر موضوع نشانگر انبوهی و کثرت تألیفات در آن زمینه است؛ و فراوان بودن عناوین کتاب شناسی ها نشانگر زیادی فوق العاده تألیفات و آثار است. سوگواری در فرهنگ شیعی از این قبیل است و چندین کتاب شناسی و مقاله شناسی مستقل در این زمینه وجود دارد. غیر از مأخذشناسی های غیر مستقل که یک فصل یا چند بخش از یک کتاب را تشکیل می دهد. اما تاکنون کتاب شناسی مستقل درباره فرهنگ سوگواری و خود عزاداری عرضه نشده است.به هر حال، پژوهش و تألیف و نشر در فرهنگ سوگواری همواره فعال بوده است؛ امّا خود اینها به عنوان یک سوژه کمتر مورد بررسی

و تحلیل بوده اند.

بعد اجتماعی فرهنگ سوگواری

بعد اجتماعی فرهنگ سوگواری گویای تأثیرات این فرهنگ در لایه های مختلف جامعه شیعی در تاریخ پانزده سده ای تشیّع [۴] است؛ غیر از تـأثیر آداب و رسوم سوگواری مجـالس عزاداری، جمعیت های عزادار در جامعه شناسـی این فرهنگ بررسـی می شود.همه جـامعه ها و فرهنگ ها، جشن هایی برای شادی و آیین هایی برای سوگواری دارنـد. نویسـندگان و پژوهشـگران ملل، گاه از این نگاه به بررسـی این مراسم پرداخته انـد.جامعه شـناختی سوگواری در چرخه حوادث و تحوّلات تاریخی پـدید آمـده است. بنابراین تاریـخ عزاداری آینه تمام نمای جامعه شـناختی این فرهنگ است. پژوهشـگران اندکی به این بُعد پرداخته انـد؛ از این رو، منـابع مسـتقل دربـاره تاریـخ سوگواری بسـیار کم انـد؛ البته لاـ به لاـی برخی منابع از نگاه تاریخی به عزاداری پرداخته انـد. خوشـبختانه در منابع کهن تاریخی، گزارش هایی هست که مایه های سودمنـدی برای پژوهشـگران دارد.اسـناد و مـدارک، گویای این است که آل بویه اوّلین کسانی بودنـد که به عزاداری به عنوان یک سنّت عمومی مشـروعیت بخشـیدند. فقط عبارات یک منبع تاریخی را به عنوان نمونه نقل می کنم:فی سنه اثنتین و خمسین و ثلاثمأه، أمر معزّالدوله الناس أن یغلقوا دکـا کینهم و یبطّلـوا الأـسواق و الـبیع والشـراء و أن یظهروا النیـاحه و یلبسـوا قباباً عملوا بالمسـبوح و أن یخرج النسـاء منشـرّات الشـعور، مسودّات الوجوه قـد شـققن ثیابهنّ. یدرن فی البلد بالنوائح و یلطمن وجوههنّ علی الحسـین بن علی رضـی اللّه عنهما. ففعـل الناس ذلک و لم یکن للسـنه قـدره علی المنع منه لکثره الشـیعه و لان السـلطان معهم؛ [۵] .در سـال ۳۵۲ق، معزّالدوله به مردم دستور می دهد دکان ها را بسته و بازار و کسب و کار را تعطیل کنند. و برای حسین بن علی علیه السلام به نوحه خوانی

و پوشیدن لباس مخصوص عزا و آذین سیاه بستن بپردازند. نیز زنان با موهای ژولیده و به هم ریخته و سیاه کردن صورت و دریدن لباس های خود، در دسته های عزاداری شرکت می کردند. به هر حال، شهر یک پارچه نوحه و عزا و به سر و صورت کوبیدن بود. مردم این کارها را انجام می دادند، در حالی که اهل سنّت قدرت بر منع آنان نداشتند؛ زیرا شیعیان فراوان بودند و سلطان هم با آنها بود.معزّالدوله با وجود در پیش گرفتن آشتی بین فرقه های مسلمان بویژه شیعه و اهل سنت، همواره بر آداب و رسوم شیعی اصرار داشت و به ترویج مراسم و آداب متعارف شیعیان اقدام می ورزید. همو با زمینه چینی ها و بسترسازی هایی که انجام داد، برای نخستین بار سوگواری عمومی را در روز دهم محرّم سال ۳۵۲ق / ۹۶۳م برپا کرد. برگزاری این مراسم به دستور پادشاه و با استقبال همه شیعیان، حادثه ای پر سر و صدا بوده است. زیرا اغلب کتاب های تاریخی به نقل آن پرداخته اند؛ و از میان صدها رخداد مهم تاریخی، این حادثه را گزارش داده اند.یک نکته مهم این است که پیش از امر سلطانی معزّالدوله، شیعیان در سطح محدود، در خانه ها، و به صورت خصوصی سوگواری برپا می کردند. هر چند همراه با تقیه و گاه کاملاً مخفی بود. اما فرمان معزّالدوله این وضعیت را شکست و مراسم عمومی عزاداری را رسمیت و مشروعیت بخشید.فرمان معزّالدوله از چند جهت اهمّیت دارد و از منظرهای مختلف قابل تحلیل است. یکی از نگاه جامعه شناسی است. زیرا بسیاری از آداب و رسوم سوگواری، بعد از این فرمان مطرح شد و در فرهنگ سوگواری رسوخ کرده و جا

افتاد. در خود فرمان معزّالـدوله هست که او امر کرد به بسـتن مغازه ها، تعطیلی کسب و کار و بازار، اظهار یا علنی کردن نوحه سرایی، لباس مشـکی پوشـیدن، جامه دریدن، به سـر و صورت زدن، آشـفته سازی گیسوان در زنان و سـیاه کردن چهره توسّط زنان. از هر کـدام از این بندها، آداب و رسوم دیگری زاییده شد و مجموعه این رسوم اجتماعی، حجم بسیاری را تشـکیل می دهد. این خط مشـی در دوره جانشین معزّالدوله یعنی عزالدوله هم تداوم یافت و نیز در دوره عضدالدوله جانشین عزالدوله هم ادامـه پیـدا کرد.کرومر در بیـن محقّقـان جدیـد، بیش از دیگران بـه ایـن خـط مشـی پرداخته و ابعـاد آن را تحلیـل کرده است. مسـتندات و مآخـذ او کتاب های قـدیمی تکمله از همدانی، المنتظم از ابن جوزی، البدایه والنهایه از ابن کثیر است. [۶] .عضد الـدوله از امیران آل بویه، فرمـان روایی مسـلمان بود و اقـدامات و رفتار او تأثیر زیادی در رواج سوگواری داشت.مطابق برخی تحقیقـات، ظواهر نشـانگر شـیعه امامی بودن عضدالـدوله است؛ زیرا او مرقـد امام علی علیه السـلام در نجف و بقعه ای بر مرقد امـام حسـین علیـه السـلام سـاخت و بـه این طریـق، محبّت خـود را نسـبت به اهـل بیت علیهم السـلام ابراز کرد. از سـوی دیگر عضدالـدوله با آگاهی از تنش های بالقوه انفجار آمیز میان شـیعیان و سـنّیان – که ده ها سال بود بغـداد را دو پاره کرده بود – کوشـید که اکثریت سـنّی را با خود همراه کند. با این همه، روشن نیست که او شـیعه زیدی بود یا امامی؛ ولی قرائنی هست که حاکی از تعلّق او به مذهب امامیه است. پس از مرگ هم او

را در جوار مرقد امام علی علیه السلام در نجف به خاک سپردند. [۷] .مورّخان معزّالدوله را اوّلین کسی می دانند که به راه اندازی عزاداری به عنوان یک سنّت رسمی و متداول اهتمام ورزید.مرثیه خوانی و عزاداری در دوره صفویه به عنوان یک نهاد، در جامعه ایرانی توسعه یافت. هر چند پیش از این دوره برای سوگواری مراسمی وجود داشت؛ ولی به دلایل مختلف، صفویان سوگواری بر ائمه علیهم السلام و بزرگان دین را تحکیم و توسعه دادند.در این که آداب و رسوم سوگواری در دوره صفویه ارتقا و توسعه یافت، شکی نیست و چگونگی این رشد و توسعه و نیز آمیخته شدن آن به برخی آداب دیگر، جای بررسی فراوان دارد. شاهان صفوی بویژه شاه عبّاس به برپایی مراسم و اجرای رسوم اهمّیت می دادند. از سوی دیگر، رشد فرهنگ قهوه خانه و بسط نوازندگی و آوازخوانی و موسیقی بی تأثیر بر آداب و رسوم اجتماعی سوگواری نبود. لذا در همین دوره مشاهده می شود که نوحه خوانی همراه با آلات موسیقی یا همراه با آواز برگزار می شده است.به همین دلیل گاه مراسم سوگواری با مناهی آلوده می شد و مخالفت فقیهان را برمی انگیخت. همچنان که در دوره کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. [۸] .به هر حال اهتمام دولت صفوی به جشن ها و اعیاد و آیین های اندوهناک موجب رشد و توسعه بُعد اجتماعی فرهنگ سوگواری شد. ولی فضا و جوّ حاکم بر جامعه ایرانی در آن دوره، عناصر مذمومی را به درون فرهنگ سوگواری رسوخ داد.از میان رسم های مختلف در عهد صفوی برای برپا داشتن عزای اهل بیت علیهم السلام، برپایی مجلس های روضه خوانی و وعظ و تذکیر [۹] برای اوّلین بار مطرح

شـد.در مراسم عزاداری، نمادهـایی مثل عَلَم، بیرق، مشـکی پوشـی و ده ها گونه از این موارد وجود دارد که به شـعائر حسـینی معروف شده است. [۱۰] سـمبل هایی مثل عَلَم، گاه با نقـدهای تند مواجه شده و آن را بر گرفته از مسـیحیت و صـلیب عیسوی دانسته اند. اما هنوز پژوهش های دقیق و منسجم با روش های علمی درباره جوانب گوناگون جامعه شناسی این فرهنگ عرضه نشـده است.در بین آیین هـای عزاداری، قمه زنی در دوره جدیـد بیش از دیگر مـوارد، توجّهـات را معطـوف خود کرده است. مخالفان از جمله نیروهای دولتی، نیرو و انرژی های زیادی صـرف جلوگیری کرده انـد ولی هر سال شاهـد رشـد و توسـعه آن هستیم. [۱۱] .۱. در فصـل پیش، به شـکل گیری سوگواری در تاریـخ شـیعه پرداختیم و این فصل به تأثیر سوگواری در جامعه شیعه می پردازد. تأثیر اجتماعی سوگواری مورد بررسـی و تحلیل بوده ولی کتاب ها و مقالات اندکی به روش علمی و با تکیه بر طرح عالمانه به این موضوع پرداخته انـد. اغلب پژوهشـگرانی که از این زاویه به بررسـی پرداخته انـد، نقش قیام حسـینی در مقولات سیاسـی را مـدّ نظر قرار داده انـد. و کمتر بر مثلاً تأثیر این فرهنگ بر ایمان دینی مردم یا معنویت جوانان یا دین گرایی زنان پرداخته اند.قیام حسـینی به اقرار فلاسـفه و متفکّران سیاست در طول تاریخ در جنبش ها و قیام ها مؤثّر بوده است. عاشورا به اقرار پژوهشـگران اجتمـاعی، در عـدالت طلبی جوامع تـأثیر گذاشـته است. حـادثه طف به زعم دانشـمندان اخلاق در خلق و خوی مردم نسل های مختلف مؤثر بوده است.شعله حقّانیت سیّدالشهدا علیه السلام اوّل از دل همان ها که او را کشتند سر زد و خودشان متأثّر شده، حتّی گریه می کردند. در تاریخ طبری آمده

است: هنگام شـهادت امام حسـین علیه السـلام عمر بن سـعد نزدیک آن حضـرت آمـد. زینب خواهر سیّدالشـهدا در خیمه اش ایسـتاده بود. به عمر بن سعد گفت: تو چه می کنی که ابو عبداللّه را کشتند. اشک های عمر بر چهره اش جاری شد و صورت خود را برگرداند. در نفس المهموم از حمید بن مسـلم نقل می کند: هنگامی که سـپاهیان عمر بن سـعد برای غارت خیمه های امـام حسـین علیه السـلام ریختنـد. زنی از بکر بن وائـل که بـا شـوهرش در اصـحاب عمر بن سـعد بـود، منقلب شـد؛ شمشـیری برداشت و به طرف خیمه ها دوید و فریاد زد: ای آل بکر بن وائل شـما ایسـتاده اید که سـرا پرده دختران پیغمبر را غارت کنند! حکم از آنِ خـداست. کو کسـانی که به خوانخواهی پیغمبر برخیزنـد؟ شوهرش او را گرفت و به چادر خودش برگردانـد و در آن جا نگهش داشت؛ ولی شور عظیمی در لشـکریان افتاد. طبری می نویسـد: مردم به سـنان بن انس گفتند: تو حسـین بن علی پسـر فـاطمه دختر پیغمبر را کشـته ای که از همه مسـلمان ها بزرگ تر است و آمـده بود که مملکت را از اینها بگیرد. حال برو پیش امیران خود پـاداش فراوان بگیر که اگر تمـام خزانه هـای خودشان را در برابر این خـدمت به تو بدهنـد، باز کم داده انـد. سنان هم نزد عمر بن سـعد رفت و گفت: تا رکاب من طلا و نقره بریز که من پادشاه بزرگی را کشـته ام. کسی را کشتم که از حیث شخصیّتِ پـدر و مادر از همه مردم بزرگ تر و بهتر بود. ابن سـعد گفت: ساکت شو؛ مگر دیوانه شـده ای! آن گاه او را پیش خواند و با پشت شمشیری که در

دست داشت، محکم بر او زد و گفت: دیوانه، اگر پیش ابن زیاد این طور حرف بزنی، گردنت را می زند. [۱۲] .تأثیرات اجتماعی حادثه کربلا و تأثیر عمومی سوگواری در فرد و جامعه شیعی از مسائل مهمّ فرهنگ سوگواری است. کارآمدی فرهنگ، همواره مورد توجّه مدافعان بوده است. کارآمدی فرهنگ سوگواری نیز باید مورد توجّه نخبگان شیعه باشد؛ اوّلاً این کارآمدی را ارتقا بدهند و بالا ببرند؛ کار دوم این که عناصر مخل به کارآمدی را شناسایی و از گردونه فرهنگ حذف نمایند. در این صورت فرهنگ سوگواری از مؤثّرترین و کارآمدترین فرهنگ ها خواهد شد.

بعد هنری فرهنگ سوگواری

یک جنبه فرهنگ سوگواری، بُعد هنری آن است. هنرمندان از رشته های مختلف در این عرصه کوشیده اند. شاعران با سرودن اشعار پر احساس که تا بن قلوب شنوندگان نفوذ می کند، خدمت گذار این فرهنگ بوده اند. نوحه سرایان با صدای حزن آلود و پر از فنون و لطایف هنری مستمعان را با درد و غم کربلائیان آشنا ساخته اند. نقاشان با خلق تابلوها یا پرده های زیبای حادثه کربلا در روز عاشورا با ظرافت، زوایای این حادثه را به نمایش گذاشته اند. تعزیه خوانان که با استفاده از هنرورزی های حرفه ای نقش های علی اکبر علیه السلام، زینب علیها السلام، حضرت ابوالفضل علیه السلام و دیگر جان باختگان عاشورا را بازی کرده اند.همه این هنرورزی ها و خلاقیت ها تکمیل کننده بُعد هنری فرهنگ سوگواری است. هنر سوگواری گستره ای وسیع دارد و تقریباً همه انواع هنرهای مهم در عرصه عزاداری به کار گرفته شده است تا عمق مظلومیت خاندان اهل بیت علیهم السلام بویژه امام حسین علیه السلام و نیز لطافت معنوی آن بزرگواران را نشان دهد. آرایه های لفظی که جزء هنر بیانی است، در نثر و

شعر عزاداری به کـار گرفته شـده است. فنون تئاتر و صـحنه پردازی در تعزیه هست و تجارب نقاشـی در پرده ها و عکس های صحنه هـای غم بار مثلاً عاشورا تجلّی یافته است.۱. نسـبت به بخش هـای فرهنگ سوگواری مثل تعزیه، مجالس روضه خوانی متداول تر است. خود این مجالس از رسوم اجتماعی است که در سده های اوّل اسـلامی شکل گرفت و در شمار بُعد اجتماعی فرهنـگ سوگواری است. ولی در این مجالس، کارهایی انجام می پـذیرد که به نوعی هنری است. روضه خوانان با اسـتفاده از فنّ خطابه و به کار گرفتن هنرورزی های خطابی، مخاطبان را با حادثه کربلا آشـنا می سازنـد.مجلس های روضه خوانی که از دوره صـفویه رواج یافت و در شـمار مراسم مکرّر شـیعیان در آمـده، نام خود را از کتاب معروف کمال الـدین حسـین بن علی کاشفی سبزواری (م۹۱۰ ق) روضـه الشـهداء گرفته است که به سـال ۹۰۸ ق، یک سال بعـد از اعلام پادشاهی اسـماعیل پسـر سلطان حیدر صـفوی در تبریز، نوشته شد. این کتاب فارسی، در ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام و واقعه کربلاست، و رسم بر آن بود که روضه خوان – یعنی خواننـده همین کتاب، آن را در مجلسـی که عزاداران واقعه کربلا فراهم می آوردنـد –، می خواند و دیگران می شـنیدند و می گریسـتند. پس این گونه محفل ها را مجلس روضه خوانی نام نهادند. کتاب روضه الشهداء به سـبب شـهرتی که یافت دو بار به ترکی ترجمه شـد، یک بار به دست فضولی بغـدادی (۹۷۰ ق) و بـار دیگر به همّت جامی قیصری. [۱۳] پیـداست که روضه خوانـان انـدک انـدک از مرحله خوانـدن یـا از بر خوانـدن کتاب یاد شـده پیش تر رفته و به اختلاف طبقات از کتاب ها و دانسته های دیگر مذهبی بهره برگرفتند و

مجلس ها را به سخنان تازه و به شعرهای مناسب مقام آراستند. گذشته از این، در همین مجلس ها هم اشعاری که از قدیم به همّت شاعران شیعی مذهب در منقبت یا مصیبت اهل بیت علیهم السلام سروده شده بود، توسّط منقبت خوانان یا مدح گویان یا مصیبت خوانان، با لحن تأثّر انگیزی خوانده می شد و مردم بر آن خوانده ها و سروده های حزن آور می گریستند. این رسم هنوز در ایران متداول است.در این مجلس های عزای اهل بیت علیهم السلام و شهیدان کربلاـ از روزگاران پیشین، چنین معمول بود که یکی می گفت و دیگران می گریستند و هر دو کار خود، یعنی گریاندن و گریستن را وسیله ای قاطع برای کسب درجات بلند اخروی می شمردند و هنوز نیز چنین است. در قصیده ای از سیف الدین محمّد فرغانی شاعر بلند پایه قرن هفتم و هشتم قمری این بیت زیرین گویای همین نکته است:در گریه سخن نکو نیاید من می گویم شما بگرییدتشکیل مجلس های مذهبی دیگری از دوران صفوی در ایران معمول شد که شیعیان در آن حضور می یافتند و به همراه یکی از روحانیان دعا می خواندند و از کتاب های متعدّد ادعیه و اذکار استفاده می کردند. این مجلس ها در لیالی متبرکه بویژه در شب های احیا در ماه رمضان تشکیل می شد. کسی که در اشاعه این رسم در عهد صفوی بسیار کوشید، محقّق ثانی علی بن حسین عبد العالی کُرْکی معاصر شاه تهماسب است. عالمان سنّی، او را مخترع مذهب شیعه لقب دادند؛ زیرا بسیاری از سنّت ها را به دعوی آن که نایب امام علیه السلام است، گذارد. از آن جمله در اقامت جمعات و جماعات سعی بسیار به کار برد و شیوه ای که او در این راه داشت

تـا پایـان عهـد صـفوی، جـاری بود و آخرین کس از عالمـان دین آن دوره که در این بـاب بسـیار می کوشـید ملّـا محمّـد باقر مجلسی (م ۱۱۰ ق) معاصر شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بود. وی در ایام و لیالی سوگواری هزاران تن را به عبادات و احیا و عزاداری گرد می آورد و به خوانـدن دعا مشـغول می شدنـد. [۱۴] .بـدین سـان مجـالس روضه خوانی و محافل سوگواری در دوره صـفویه کامـل تر شـد و هم از نظر علمی و هم اجتماعی تکمیل گردیـد. البتّه در دوره قاجاریه و بعداً جمهوری اسـلامی رونـد تکامـل با شـتاب بیشتری طی شـد.«مجالس روضه خوانی» یا «جلسات سوگواری» پدیـده ای است که خود، ابعاد مختلف دارد و از منظر جامعه شناسـی نهادی با آیین ها و آداب گوناگون است. از این نظر، جامعه شناسان باید به بررسی آن بپردازند. از نظر خود مکـان تکیه یـا حسـینیه و ظرافت هـایی که دارد، مربوط به هنر معمـاری هنرهـای اسـلیمی است. امـا این مجالس از حیث خطـابه و قرائت نثرهـای ادیبانه هم، مشـحون از آرایه ها و زیبایی های هنری است. به همین دلیل، اغلب کتاب های مقتل از متون ادبی محسوب می شود.۲. اگر بُعد هنری و ادبی را از عزاداری حذف کنیم، رمقی برای این فرهنگ باقی نخواهد ماند. آنچه موجب پویایی، بسط و تـداوم این فرهنگ شده، مجهز بوده آن به انواع آرایه های ادیبانه است.منابع مکتوب عزاداری، به صورت شـعر یـا نظم است و آنهـا را مرثیه یا نوحه نامیـده انـد. مرثیه، نوعی ادبیات منظوم و شـعر است که برای بیان مصائب و ناراحتی ها به کار می رود. حکمت و اندرز، مدح، غزل و حکایت و قصیده، گونه های دیگر شعر است. چند بحث در مرثیه

هست؛ یکی تاریخ آن و دوم انواع آن است. برای اشعار و منابع شعری درباره امام حسین علیه السلام و عزاداری را در دو بخش ادبیات عرب و ادبیات فارسی پی می گیریم.شاعران با استفاده از ظرایف شعری و صفت ها و فنون هنر شعر توانسته اند در عزاداری حال و هوای معنوی و احساسی بدمند و تأثیر آن را مضاعف ساخته؛ و ماندگاری آن را ابدی سازند. نیز متصدّیان عزاداری بسیار راغب اند که از نوحه و مرثیه استفاده کنند و مجالس خود را گرم سازند. به هر حال مرثیه و نوحه با عزاداری لازم و ملزوم شده اند. این وضع از قدیم تا امروز وجود داشته و دارد و صدها عنوان کتاب در این زمینه تألیف و عرضه شده است. این آثار دو گونه اند: یکی دیوان های شعری و دوم تحلیل های درباره. نیز از نظر زبان هم قابل تقسیم اند.پس از شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، شاعرانی عرب در سوگواری آن بزرگواران از قرن اوّل قمری سروده هایی عرضه کرده اند. فرزدق، کمیت، دعبل، ابوتماح، سیّد حمیری و مهیار دیلمی، سیّد رضی و ابوتمام از جمله کسانی بودند که شعر سوگوارانه را گسترش دادند. مثلاً ابو الاسود (م۶۹ق) که از دوستداران امام علی علیه السلام و فرزند او بود.سید حسن صدر یافعی در مرآت الجنان نقل می کند که: ابوالاسود، از بزرگان و اعیان تابعین و جزء یاران امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود و در نبرد صفّین شرکت کرد. وی از کامل ترین و زبده ترین یاران امام بود. در رأی و خرد مشهور و نخستین کسی است که به راهنمایی امام علیه السلام، علم نحو را تدوین کرد. [۱۵] .نویسندگان در کتاب ها

و مقالات مختلف بـه گزارش مرثیه پرداخته انـد. این آثـار متنـوع انـد و برخی مسـتقلاً به مرثیه پرداخته و برخی در لا‌به لای مباحث به مرثیه هم پرداخته انـد. مثـل: ادبیات انقلاب در شـیعه از صادق آیینه ونـد؛ دیوان ابوالاسود.۳. نثر و شـعر فارسی در عرصه سوگواری قابل توجه است؛ از قرن هفتم و هشـتم اشـعاری سروده شد که مملو از آرایه های هنری و ظرافت های جذاب بود. در میـان شـاعران عـدّه ای، مرثیه ها و نوحه هایی را متـداول کردنـد که با خوانـدن آنها در مجالس، دل ها را محزون می سـاخت. در بین سـرایندگان مسـلمان این موضـوع بیشـتر مقصور به ذکر منـاقب اهـل بیت و یـا مراثی آنـان بود.نـام عـده ای از شاعران این عهـد اعم از سنّی یا شـیعه که دارای مراثی برای اهل بیت علیهم السـلام انـد، این گونه است: سـیف الـدین محمّد فرغانی که سنّی حنفی بود؛ ولی در دیوان او قصـیده مؤثری است درباره واقعه کربلا و دعوت خلق به نـدبه و گریه و عزاداری «کشـته کربلا» و «فرزنـد رسول» و «گوهر مرتضـی» و او مـدّعی است که گریه در این ماتم، مایه «نزول غیث رحمت» و زدودن غبـار «کـدورت» از دل هـاست. به هر حـال از شـاعرانی که در ذکر منـاقب پیامبرصـلی الله علیه وآله و خانـدان او و یا در رثای آنان، اشـعاری سـروده انـد. در این دوره کسانیماننـد امامی هروی، فخرالـدین عراقی، سـیف الـدین فرغانی، سـلمان ساوجی، خواجوی کرمانی، سـعید هروی، ابن نصوح، حسن متکلّم، حسن کاشی، معین جوینی، که در ضمن آثار آنان قصایدی در ذکر مناقب یا مراثی اهل بیت علیهم السـلام دیـده می شود.مولانا سـیف الـدین ابو الحامـد محمّد الفرغانی از شاعران اسـتاد در قرن هفتم و هشتم قمری است که

با مرتبه بلند خود در شعر به سبب انقطاع از عالم و گوشه گیری از دنیا و امتناع از مدح امرای ظالم و فاسد زمان در یکی از خانقاه های شهر کوچک «آقسرا» به گمنامی درگذشت. و در عین حال او در زمره قدیمی ترین سخنورانی است که در مرثیه شهیدان کربلا شعر گفته و خلق را به اقامه مراسم تعزیه «کشته کربلا» و «گوهر مرتضی» و «فرزند رسول»، و زاری و ندبه «در این عزا» دعوت کرده است.نمونه هایی از منابع در فارسی که به مرثیه می پردازند، عبارت اند از:سیری در مرثیه عاشورایی؛ در عزایت آسمان نیلی قباست، نوشته مهدی الماسی؛ غوغای ملکوت، گردآوری محسن حافظی؛ مرثیه دلتنگی، نوشته محمّد مهدی بهداروند؛ مرثیه عاشورا از حسین جلالی.۴. عزاداری به مثابه یک فرهنگ دارای ابعاد کتبی و نوشتاری، شفاهی و بالاخره نمایشی است. منظور از عزاداری نمایشی، بیان مصائب اهل بیت علیهم السلام با زبان هنر و به صحنه درآوردن آنها است. دومین جنبه تعزیه، تأثیر روی مخاطبان است. همان گونه که روضه خوان با کلام، مخاطبان را تحت تأثیر قرار می دهد و به آنها آگاهی و در عین حال احساسات می بخشد. تعزیه گردان هم می خواهد به مخاطبان بفهماند چه حوادثی روی داده است و مخاطبان را محزون و سوگوار سازد. به دلیل ظرفیت های زیباشناسی در شبیه خوانی تأثیر آن هم زیاد ارزیابی شده است. [۱۶] .بنابراین تعزیه یک بخش مهم از هنر سوگواری است. و این که عزاداری نمایشی تا چه حدّ مؤثر بوده است، هنوز بررسی جدّی نشده است. [۱۷] .نمایش و نمایش نامه نویسی، به مفهوم اروپایی آن، در ایران سابقه نداشت و از مدت ها پیش، فنّ نمایش منحصر به شبیه خوانی، یا به اصطلاح عامه

تعزیه خوانی، عبارت از مجسم کردن و نمایش دادن شهادت جانسوز امام حسین علیه السلام و یاران آن بزرگوار یا یکی از حوادث مربوط به واقعه کربلا بود. این تراژدی های مذهبی، شباهت فراوانی به نمایش های دینی [۱۸] یا اخلاقی [۱۹] داشت که در قرون وسطی در اروپا نمایش داده می شد.تعزیه و شبیه خوانی ظاهراً در ایران ریشه قدیمی تری دارد. دیلمیان، که از پادشاهان ایران و شیعی مذهب بودند، مظالم خلفا و داستان جان گداز کربلا را به صورت شبیه، مجسّم می ساختند. اما این نمایش ها صامت بود و افراد نمایش با لباس مناسب سواره و پیاده خودنمایی می کردند تا آن که بعدها تعزیه خوانی همراه شعر و آواز، که در واقع یک نوع ملودرام [۲۰] بود، متداول گردید. شبیه خوانی ناطق ظاهراً در دوره ناصرالدین شاه در ایران معمول شد، یا اگر قبلاً چیزی از آن قبیل بود، در دوره سلطنت ناصرالدین شاه رونقی به سزا یافت و شبیه خوان های زبردستی مانند ملّا حسین اخوان، جهانگیر مسلم خوان پیدا شدند.دلایل و عوامل مختلف موجب شده که تعزیه به عنوان یک هنر ایرانی و شیعی توجّهات بسیاری از محقّقان داخلی و خارجی را مجذوب خود کند. از این رو، بیش از یکصد عنوان اثر پژوهشی آکادمیک به زبان های اروپایی هم اکنون در دست است. و کتاب هایی مثل تعزیه بومی ایران از چلکووسکی از منابع مرجع در این زمینه است. ابعاد مختلف تعزیه مثل متون تعزیه نامه ها، [۲۱] فنون تئاتر در تعزیه، [۲۲] .حتّی وقف [۲۳] ابزار و ادوات تعزیه مورد پژوهش های مهمّی قرار گرفته است.۵. هنر سوگواری در بیان، در نمایش، در موسیقی، در نمادهای پارچه ای و فلزی تبلور دارد. امّا یک جنبه دیگر از هنر سوگواری، ظرافت های

هنری موجود در مکـان هـای عزاداری مثـل تکایـا، حسـینیه هـا و مساجـد است. این مکـان هـا از حیث این که نهادهـایی برای سوگواری اند، در جامعه شناسـی عزاداری بررسی شده است. [۲۴] ولی از نظر این که هنرمنـدان روی در و دیوار، گنبد و گل دسته این جاها کار کرده اند، یک مقوله هنری محسوب می شوند.امّا به راه انداختن دسته های عزاداری – که در حال عبور از گـذرگاه ها نوحه خوانی می کنند و خود را می زنند و یا گاه بر اثر جوشـش و غلیان احساسات، به خود آسـیب می رساند. از دوران غلبه آل بویه بر بغداد آغاز شد و به تدریج در دوره های بعد از آن، توسـعه پذیرفت و در عهد صـفوی با مبالغه بسیار و تشـریفاتی که هنوز هم در بعضی شهرستان های ایران باقی است، همراه گشت.این دسته ها از نظر این که مراسم اند و آداب و رسوم و نمادهای ویژه دارند جزء بُعد اجتماعی فرهنگ سوگواری اند. اما از نظر این که نوحه خوانان، مرثیه سرایان، طبّال ها و نوازنـدگان در آن هنرنمـایی می کننـد، در بخش هنر بررسـی می شود. اغلب عَلَم هـایی که در پیش دسـته هـا حمل می شود، دارای ظرافت های هنری فراوانی است و هنرمنـدان مسـتظرفه از رشـته های مختلف روی آنها کار کرده اند.پایانپایان بخش این مقـاله، تأکیـد بر ضـرورت سامـان دادن به فرهنـگ سوگواری، به عنوان پیش زمینه رفع مشـکلات و نابسامانی ها در این حوزه است. به عبـارت دیگر، فرهنـگ سوگواری مجموعه ای از مآخـذ علمی، باورهـا و آداب و رسوم است و تنهـا بـا اصـلاح آنها، مراسم عزاداری و روضه خوانی ها اصلاح خواهد شد.حرکت های اصلاحی در عرصه سوگواری همواره با ناکامی مواجه بوده است؛ علت مهمّ آن، نپرداختن به سوگواری به عنوان یک فرهنگ است. تنها با کلی نگری و طرح مسائل در فضای بازِ

این فرهنگ است که مشکلات هویدا می شود. آن گاه با بررسی روابط و پیوندهای شبکه ای می توان به کارشناسی های دقیقی رسید.فرهیختگان شیعه باید از این منبع فیض یعنی فرهنگ سوگواری به خوبی بهره گیرند. شاید هیچ ملّتی در جهان از چنین امکانی بهره مند نباشد. این امکان به گونه ای است که جامعه شیعه را یک پارچه حرکت می دهد، و موجب وحدت ملی، شور و حرکت، معنویت و ایمان می گردد. در مقابل اگر این فرهنگ از درون، تهی و تحریف گردد، آن گاه پیام های آن تأثیر منفی خواهد داشت و موجب ذلت و تخدیر جامعه شیعه می گردد. به همین دلیل وظیفه دلسوزان شیعه سنگین است که نگذارند کسانی مغرضانه یا ناآگاهانه به تحریف عاشورا دست یازند.

پاورقی

[۱] غیر از کتاب هایی که در مصیبت امام حسین علیه السلام نوشته شده، آثار فراوانی در مصائب و شهادت حضرت زینب علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام و حتّی زید بن علی علیه السلام تألیف شده است.

[۲] ریشه های فکری ایرانیان در فرهنگ سوگواری حتّی توجه خاورشناسان و جهانگردان غربی را به خود جلب کرده است. برای نمونه در سفرنامه تاورینه (ج ۴، ص ۴۱۶ – ۴۱۰) این مطلب به چشم می خورد. در گزارش هنریش آلمانی نیز هست (ص ۲۲۸ – ۲۱۷). او عزاداری در ایران در دوره ناصری را با توجه به ریشه های تاریخی آن گزارش می دهد. آقای رسول جعفریان در مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه های خارجی» گزارش های جهانگردان خارجی ها را بررسی کرده است.

[۳] لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۸۵۷ – ۱۵۸۵۵.

[۴] مورخان برداشت های مختلفی از حادثه کربلا عرضه کرده اند. نیز این که آیا همه این قرائت ها صحیح

است و هر کـدام گوشه ای از حقیقت را نشـان می دهـد یـا همه باطل و یک برداشت صـحیح است، اختلاف است. گاه برخی برداشت ها با نقـدهای تندی مواجه شده است مثل مقاله آقای حضـرتی در نقد دیدگاه ابن خلدون. این برداشت ها در مجموع گویای شکل گیری و تحوّلات فرهنگ عاشورا و فرهنگ سوگواری اند.

[۵] الکامل، ابن اثیر، ج ۸، ص ۵۴۹.

[۶] احیای فرهنگی در عهد آل بویه، کرومر، ص ۳۷۹.

[۷] همان، ص ۸۱ – ۸۰ و ۳۷۹ – ۳۷۸.

[۸] نگـاه کنیـد به جـامع الشـتات از محمّـد باقر رشاد، ص ۸۰ – ۴؛ نیز حسـین رجبی در کتاب پاسـخ به شـبهات دیـدگاه های مختلف دربـاره هر کـدام از موضوعـات سوگواری را بررسـی کرده است. مهم ترین کتاب آقای ربانی خلخالی است که جامع نظرات و فتاوای فقهی است.

[۹] خود مجالس و محفل های سوگواری مشـتمل بر سنت ها و آداب و رسوم فراوانی است که هر کدام بررسی دامنه داری را می طلبد. برخی از این بررسی ها توسّط آقای معتمدی در کتاب عزاداری در بیوت علما انجام یافته است. [

[۱۰] ذکاوتی قراگزلو در مقاله پیشینه شناسی آیین ها و شعائری مثل گِل مالیدن بر بدن، کشکول سقایی، زنجیرزنی، سینه زنی و قمه زنی و مواردی از این قبیل را توضیح داده است.

[۱۱] هنوز پژوهش جـدی دربـاره ابعـاد قمه زنی ارائه نشـده است. مثلاً آمار و تحلیل آماری عرضه نشـده؛ مثلاً تحقیق میـدانی انجام نشـده است. البته در کتاب ها یا مقالاتی بر برخی پیامدهای اجتماعی یا انعکاس های خارجی یا احکام فقهی آن پرداخته انـد ولی کـافی نیست. به هر حال قمه زنی یکی از مسائل مهم در فرهنگ عمومی ایرانیان معاصـر است و ابعاد پیچیـده فراوانی دارد. از باب نمونه آقای ذکاوتی در

مقاله «پیشینه شناسی» بر قمه زنی پرداخته است.

[۱۲] تاریخ طبری، ج ۳، ص ۷۰ - ۶۰؛ سخنرانی های راشد، ج ۲، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

[۱۳] پس از روضه الشهداء، عالمان بسیاری به تألیف کتاب در این زمینه پرداختند. جمع آوری اطّلاعات این گونه آثار، موجب پیدایش فهرست واره قطوری خواهد شد. مثلاً ـ مواعظ شوشتری شامل سخنرانی های آیت اللّه شوشتری، چاپ شده است.

[۱۴] تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح اللّه صفا، ج ۵، ص ۸۹ - ۸۳.

[۱۵] تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۴۴.

[۱۶] ر. ك: نگرشی بر جنبه های زیبایی شناختی هنر شبیه خوانی.

[۱۷] بعضی از پژوهشگران در کارآمدی برخی تعزیه ها تشکیک کرده اند و آنها را مخرب دانسته اند ر. ك: نگرش نقد گونه بر تعزیه؛ کند و کاوی در نسخه های تعزیه.

[۱۸] Mystery.

[۱۹] Morality.

[۲۰] Melodrama.

[۲۱] تعزیه حر در کتاب تعزیه حر بن یزید ریاحی.

[۲۲] مثل کتاب تئاتر ایرانی از فرخ غفاری؛ و کتاب تعزیه از صادق همایونی سودمندی های زیادی دارد.

[۲۳] ر. ك: به مقاله وقف و سوگواری از آقای عناصری.

[۲۴] امکنه سوگواری در تاریخ تحولاتی داشته است. به هر حال جنبه تاریخی این اماکن در کتاب هایی مثل تاریخ تکایا از مهدی عباسی بررسی شده است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹